

جوان برومند، مرد موفق در کار و اقتصاد یک مادر و یا یک همسر دلسوز و کاردارن حضور دارد.

در این مثال گرچه به نارسائیه‌ها، موانع و مشکلات و گاه‌ها از تبعیض سخن به میان می‌آید ولی هیچوقت به فکر نیستیم که خدای ناخواسته از ارزش و اعتبار زنان در جامعه اسلامی خلی وارد آید یا آنان را در مقابل مردان قرار دهیم و هدف این نیست که زنان و نمایان اصلی خود را در اصل انسان‌سازی و پرورش - دهنده‌های روح و جسم آینده‌سازان هستند. به پخته فراهم‌وشی سپرده شود. بلکه طرح موارد، روشن‌گری افهان و بهره‌گیری از نیروی مشارکت زنان در ساختن جامعه‌ای برتر است.

جامعه غربی سالهاست که به حقوق زنان در زمینه‌های مختلف توجه داشته از لحاظ سواد، بهداشت، اشتغال، امکانات رفاهی و موقعیت مناسبی را فراهم کرده‌اند ولی در خیلی از موارد به دلیل عدم توجه به ارزشهای انسانی باعث گردیده که زنان وارد بحرانهای جدید شوند، که در اینجا فرصت پرداختن به آن نخواهد بود. در این فرصت، برآنیم که ضمن بررسی موانع و مشکلات توجه شما را به فعالیتهایی که در رابطه با اشتغال در سایه مشارکت حاصل گردیده جلب کنیم. و همچنین با همفکری و تبادل نظر راههای اصولی و جدید اشتغال زنان در قالب تشکلهای تعاونی را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

موانع اشتغال زنان: زنان اولین افراد در خانه هستند که صبح قبل از همه کار را شروع کرده و آخرین فرد هستند که دست از کار می‌کشند. کارهای انجام شده در جهان توسط زنان صورت می‌گیرد، در حالیکه تنها درآمد جهانی به آنان تعلق دارد.

در کشورهای در حال توسعه زنان از نظر بهداشت، سواد، تحصیلات و امکانات رفاهی و اشتغال وضع مناسبی ندارند و اکثراً نتیجه کار آنان پنهان و در محاسبات درآمد خانوار و ملی محسوب نمی‌گردد.

بخشی از مسائل و مشکلات اشتغال زنان موانع توسعه‌ای است که به ساختار



نقش زنان در توسعه

● غلامرضا شهرپور*

مقدمه

(آیه ۱۲ سوره حجرات)

«ای انسانها، ما شما را خلق کردیم از زن و مرد و شما را قرار دادیم، بصورت قبیله و طایفه که همدیگر را بشناسید. آن کسی پیش من گرامی‌تر است که با تقوی‌تر است، و خدا از حال شما کاملاً آگاه است.»

در رابطه با موضوع زن و مرد مباحث زیادی گفته و نوشته شده است. اما در اینجا صحبت از زنانی داریم که خداوند جایگاه

آنان را در قرآن کریم مشخص کرده است و در مبانی فقهی در رابطه با وظایف، حقوق و مسئولیت آنان بطور مشخص مطالب روشن بیان شده است. که من فکر نمی‌کنم جامعه زنان بیش از آن طالب باشند اما چیزی که هست در رابطه با حقوق زنان نباید افراط و تفریط کنیم بلکه موظف هستیم به این حقوق شناخت بیشتری پیدا کنیم و در چارچوب احقاق آن گام برداریم. در جامعه اسلامی زنان مدیران خانه هستند و باید بدانیم مهمترین نقش زنان ایجاد یک کانون گرم و صمیمانه برای منزل، اداره‌کننده منزل، پرورش‌دهنده جوانان برومند و مشاوران و همکاران دلسوز برای مردان خود هستند، باید بدانیم در قفای هر زندگی موفق، هر قهرمان نامدار، سیاستمدار مردمدار، دانشمند نامی،

کشورها مربوط می‌شود و بخشی از آن موانع غیرتوسعه‌ای یعنی فرهنگی است که به اختصار اشاراتی به این موانع خواهیم داشت.

موانع عدم برابری بین زن و مرد بطور اختصار عبارتند از:

۱- موانع فیزیولوژیکی

دختران به هنگام تولد به طور متوسط کمی از پسران کم‌وزن - ترند، اما میزان مرگ و میر پسران در سال اول زندگی کمی بیش‌تر از دختران است و در پایان راه مردان زودتر از زنان می‌میرند یعنی متوسط عمر زنان از مردان بیشتر است. راز خلقت را در این می‌توانیم ببینیم که در مقابل تولد هر ۱۰۰ دختر ۱۰۴ پسر متولد می‌شود.

۲- موانع فرهنگی

دانشمندانی چون افلاطون، ارسطو، ژان ژاک روسو معتقدند که زنان و مردان دارای استعدادها و مشابیه هستند ولی از لحاظ جسمی تفاوت‌هایی دارند که در گذر زمان بعنوان موانع فرهنگی این اختلاف بیشتر شده است.

۳- موانع اجتماعی

موانع اجته‌اعمی که عبارتند از: الف - آموزش ب - مسائل موفقیت ج - تفکیر، موارد شغلی

۴- موانع اقتصادی

موانع اقتصادی عبارتند از: الف - کار در خانه بدون دستمزد ب - اختلاف سطح دستمزد در سراسر دنیا دستمزد زنان از مردان پائین‌تر است. بالاترین آن در سوئد ۹۰ درصد، انگلستان ۷۰ درصد، کانادا ۶۲ درصد، ژاپن ۵۱ درصد، آلمان ۷۸ درصد، فرانسه ۸۱ درصد به نسبت مردان از حقوق و دستمزد برخوردارند ج - نوع مشاغل

مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی

در ایران نرخ مشارکت مردان و زنان در فعالیتهای اقتصادی از گذشته دور تا به امروز تفاوت زیادی نموده است. پژوهشهای مختلف در مقاطع زمانی برای یافتن علت یا علل واقعی خودداری زنان از مشارکت بیشتر و سهم‌گذاری بیشتر در تولید ملی بجایی نرسیده و پاسخ قانع‌کننده‌ای بدست نیامده است

فعالیت زنان به صورت خوداشتغالی و کار در خانه و ایجاد تشکلهای مربوط به آن مورد توجه وزارت تعاون می‌باشد و در اکثر استانها به صورت شرکتهای تعاونی و تعاونیهای چندمنظوره، بخش قابل توجهی از اشتغال بانوان را به خود اختصاص داده است.

هرچند در ایران مشارکت مردان در فعالیتهای اقتصادی، در مقایسه با کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نیز تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد. لیکن باز هم حضور و مشارکت آنان از زنان بیشتر است البته این فاصله با گذشت زمان رو به کاهش می‌باشد.

در سال ۱۳۶۵ مشارکت مردان و زنان از ده سال در فعالیتهای اقتصادی به ترتیب ۵۹/۵ و ۶/۱ درصد و سهم زنان در کل نیروی کار در همین سال ۹/۴ درصد بود.

در سال ۱۳۷۰ مشارکت مردان و زنان بیشتر از ده سال در فعالیتهای اقتصادی به ترتیب ۵۹/۲ و ۶/۶ درصد و سهم زنان در کل نیروی کار در همین سال ۹/۴ درصد بود و در سال ۱۳۷۲ مشارکت مردان و زنان بیشتر از ده سال در فعالیتهای اقتصادی به ترتیب ۵۵/۲ و ۷/۶ درصد و سهم زنان در کل نیروی کار کشور ۱۱/۶ درصد برآورد شد که روند اشتغال زنان و مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی حریان مثبت ولی بسیار کند، نشان می‌دهد.

سهم متراکمت زنان در فعالیتهای اقتصادی سهم قابل ملاحظه‌ای است و

همین جمعیت فعال و شاغل مکار در بخش‌های عمده اقتصادی، کشور کره جنوبی را در ردیف یکی از مهمترین کشورهای تولیدکننده و صادرکننده شرق آسیا قرار داده است.

در سال ۱۳۷۵ مشارکت زنان در سطوح مختلف افزایش یافت. با توجه به جدول شماره ۲ نرخ اشتغال در بخش تعاون از رشد بالاتری برخوردار است. به طوری که طبق آخرین آمار عملکرد شرکتهای تعاونی بانوان در پایان سال ۱۳۷۸ با احتساب تعاونیهای آموزشگاهی دخترانه ۲۲۷۷ شرکت تعاونی با حضور ۵۶۵۰۰۰ عضو و اشتغالزایی بالغ بر ۱۶۸۵۰۰ نفر در شرکتهای تعاونی بانوان به کار اشتغال دارند. با توجه به این جدول نرخ مشارکت زنان قبل از تشکیل وزارت تعاون ۸/۵٪ در مدت فعالیت وزارت ۲۲/۴ رسیده ولی در کل از نرخ ۱۱/۶ درصد برخوردار است.

وضعیت اشتغال زنان

یکی از مشخصه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور توزیع نیروی کار شاغل در وضعیت شغلی است که بازگوکننده تمرکز و یا عدم تمرکز نیروی کار و سرمایه است. تراکم سرمایه و نیروی کار در بخش دولتی مسائل و مشکلات پیچیده‌ای به همراه دارد که مدیریت دولتی جز با روشهای بورکراسی نمی‌تواند با مشکلات آن روبرو شود. در مقابل تداول و تمرکز ثروت در بخش خصوصی و در دست طبقه‌ای خاص، مشکلات زیادی را برای جامعه بشری داشته است که تاکنون گرچه کشورهای

نرخ اشتغال مردان و زنان و سهم اشتغال زنان از کل جمعیت شاغل در سالهای

۱۳۶۵-۷۳

ایران		۱۳۶۵		۱۳۷۰		۱۳۷۳	
نرخ اشتغال		مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
نرخ اشتغال زنان		۵۹/۹	۶/۱	۵۹/۳	۶/۶	۵۹/۳	۶/۶
سهم مشارکت مردان و زنان از کل نیروی کار		۹۱/۱	۸/۹	۸۰/۶	۹/۴	۸۸/۴	۱۱/۶

(جدول شماره ۱)

مقایسه اشتغال مردان و زنان ایران و کره جنوبی

کره جنوبی		۱۹۸۵		۱۹۹۰		۱۹۹۲	
		مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
سهم مشارکت مردان و زنان از کل نیروی کار		۶۱۰	۳۹	۵۹/۳	۴۰/۷	۵۹/۸	۴۰/۲

جدول شماره ۲

منبع: Labour in Korea-Korea Labour Institute, 1993

به صورت مشاغل آزاد، پیشه‌وری و صنعتگری کوچک از دیرباز وجود داشته و به عنوان یک پدیده اجتماعی، اقتصادی پیشینه روشنی دارد.

اصولاً ساخت اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه بافت مشابهی را در این زمینه نشان می‌دهد اما کاری که از ابتدای برنامه پنج ساله اول در ایران شروع شد، تجربه‌ای تازه در زمینه خوداشتغالی به شمار آمد.

همزمان با اولین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وزارت کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت برای حمایت از اشتغال مولد قردی و برحذر داشتن نیروهای فعال جامعه از پرداختن به کارهای غیرمولد نظیر دلالی، واسطه‌گری و سایر مشاغل مشابه به تأسیس مراکز خدمات خوداشتغالی اقدام کند.

اشاعه فرهنگ خوداشتغالی که با آموزشهای کوتاه مدت خیلی زود به انتقال دانش و مهارت می‌انجامد، افزایش مشارکت فعال استعدادهای بالقوه در جوانان علاقه‌مند به کار برای خود را سبب می‌شود. خوداشتغالی، با خاصیت انعطاف‌پذیری زیاد، به آسانی می‌تواند خود را با شرایط جدید صنعتی هماهنگ ساخته و در احیای اقتصاد کشور نقش ارزنده‌ای را ایفا کند.

این بخش از فعالیت، می‌تواند حجم قابل ملاحظه‌ای از نیروی کار را به خود جذب نماید، به نحوی که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه چنین است. این طرح به عنوان زمینه علمی و ملی حمایت دولت از تولیدات خانگی و فعالیتهای خوداشتغالی بوده و بدین ترتیب مکان عرضه تولیدات و فعالیتهای مولد خانگی فراهم گردید. (خوداشتغالی، وزارت کار و امور اجتماعی، مرداد ۱۳۶۹ و ۱۳۷۲، ص ۴ و ۹)

فعالیت زنان به صورت خوداشتغالی و کار در خانه و ایجاد تشکلهای مربوط به آن مورد توجه وزارت تعاون می‌باشد و در اکثر استانها به صورت شرکتهای تعاونی و تعاونیهای چندمنظوره، بخش قابل توجهی

گل و گیاه، گیاهان دارویی و گلخانه‌ای، پرورش زنبور عسل، دامداری، پرورش ماهی و میگو، تولید سبزیجات و بسته‌بندی آن، تولید نهال و مرغداری است.

بخش خدمات: مانند مدارس و مراکز آموزشهای غیرانتفاعی، خدمات بهداشتی و درمانی، مجتمع‌های فرهنگی، هنری و ورزشی، آموزشگاههای آزاد، آموزشگاه رانندگی، مجتمع نگهداری معلولین، آسایشگاهها سالمندان، مهد کودک، خدمات فنی، مهندسی، مالی و مشاوره‌ای، خدمات بهداشتی، درمانی دامپزشکی، درمانهای در منزل، خدمات و سرویسهای پرستاری و نگهداری سالمندان و اطفال در خانه، فعالیتهای تحقیقاتی و پژوهشی و غیره می‌باشد.

خوداشتغالی زنان

خوداشتغالی در جهان امروز، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، پدیده‌ای شناخته شده است که علاوه بر قشرهای مختلف اجتماعی خود دولتها نیز از آن به عنوان راه‌حلی برای برخی از مشکلات اشتغال و پایین آوردن سطح بیکاری و تخفیف پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن بهره می‌گیرند.

این طرح مدتهاست به عنوان یکی از خط‌مشی‌های اقتصادی و برنامه‌های ملی در کشورهای نظیر ژاپن، کره، هندوستان، استرالیا و فیلیپین مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه این روش تنها راه ایجاد اشتغال و رفع مشکل بیکاری نیست، لیکن می‌تواند در جوار دیگر اقداماتی که سیاست‌گذارهای اشتغال کشور را تعیین می‌کنند به عنوان سرفصل مکمل در برنامه‌ها و استراتژیهای ملی قرار گیرد. در ایران، خوداشتغالی یا کار برای خود،

پیشرفته صنعتی تسهیقات عظیمی را داشته‌اند ولی در کنار آن سقوط ارزشهای انسانی را نمی‌توانیم از نظر دور بداریم. یکی از شیوه‌هایی که به عدالت اجتماعی نزدیک و بساعت افزایش مشارکت انسانهاست و به رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی توجه خاص دارد شیوه تعاون است. در این رهگذر مشارکت زنان ایران در صحنه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی خوشبختانه روز بروز در حال افزایش است.

با نگرش به وضعیت موجود تعاونیهای زنان با بیش از ۵۰ درصد عضو ملاحظه می‌شود که در حال حاضر در بخش صنعت ۱۲۷۷ واحد، در بخش خدمات ۷۴۷ واحد در فرش دستیاف ۴۹۷ در بخش شرکت و در کشاورزی ۳۶۷ واحد و در تعاونیهای مصرف آموزشگاهی ۳۸۰۱ واحد تعاونی به فعالیت اشتغال دارند. گفتنی است تعاونیهای مصرف آموزشگاهی دخترانه حدود ۵۴ درصد کل آموزشگاهی را شامل می‌شود که نشانگر استقبال نیروهای تحصیل کرده بانوان به تشکلهای تعاونی است.

اهم فعالیتهای زنان در بخش تعاون به شرح زیر است:

بخش صنعت: مانند فرش دستیاف، صنایع دستی، صنایع غذایی، صنایع دارویی، صنایع الکترونیک، صنایع پوشاک، جوراب‌بافی، تولید اسباب‌بازی، تولید سرگرمیهای الکترونیکی، توپ‌دوزی و غیره.

بخش کشاورزی: شامل تولیدات فرآورده‌های شیر و لبنیات، صنایع بسته‌بندی محصولات کشاورزی، پرورش

از اشتغال بانوان را به خود اختصاص داده است.

عضویت و مشارکت زنان در تعاونیها هم یک وسیله است و هم یک هدف

یک وسیله است به این معنی که عضویت در تعاونی برای زنان این حق را ایجاد می‌کند که از خدماتی که تعاونی عرضه می‌کند بهره‌مند گردند و یک هدف است به این معنی که از طریق عضویت در تعاونی، زنان سکویی بدست می‌آورند که به وسیله آن صدای خود را به نحو مؤثری به گوش برسانند و تدبیری اتخاذ کنند که مستقیماً بر زندگی آنها تأثیر گذارد. البته هیچ‌یک از این کارکردها تازگی ندارند، زیرا در سراسر تاریخ تعاونیهای مردان چنین کرده‌اند آنچه ممکن است تازگی داشته باشد این است که تعاونیها باید نسبت به زنانی که سهمی بس عظیم در تولید محصول دارند و این سهم آشکارا کمتر از خدمتی که در خانه انجام می‌دهند مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، به

چشم تساوی بنگرند و همانند مردان به شمار آورند.

آموزش نیروی انسانی

توسعه منابع انسانی در بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از عوامل پیشرفت هر کشور می‌باشد و یکی از راههای رسیدن به تربیت نیروی انسانی را می‌توان نظام رسمی آموزش دانست. افزایش سواد در برخی از کشورها عامل اصلی از سایر فاکتورهای توسعه می‌باشد. خوشبختانه در کشور ما تحول اساسی در میزان باسوادی مخصوصاً در بخش زنان صورت گرفته، به طوری که از مقطع انقلاب اسلامی تاکنون به بیش از دو برابر رسیده یعنی در سال ۱۳۵۵ نرخ باسوادی زنان ۲۵/۵ درصد بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۷۴ درصد رسیده است و نرخ آموزش عالی برای تربیت و تأمین نیروی انسانی، در این میان از اهمیت ویژه برخوردار است. علاوه

بر این نرخ تحصیلات دانشگاهی زنان نسبت به مردان افزایش چشمگیری حاصل کرده و آمار قبولی آنان در دانشگاهها در سال ۱۳۷۹ به سطح ۶۰ درصد رسیده است. جدول شماره ۴ بیانگر تحول نرخ باسوادی در ایران می‌باشد.

اقدامات مهم در جهت تسهیل مشارکت زنان

- ۱- تغییر اقدامات محدودکننده قانونی و اداری و توسعه‌ای
- ۲- تغییر نگرشها و رفتارهای انسانی در رابطه با عوامل بازدارنده
- ۲- تضمین تسهیلات تعاونی مناسب برای زنان
- ۴- تدارک آموزش و امکانات اجتماعی به منظور قادر گردانیدن زنان برای بهره‌گیری از فرصتها و دست یافتن به مشارکت در تعاونی

وضعیت آماری تعاونیهای زنان

کرایش	تعداد تعاونی	کل اعضا.	اعضای زن	کل اشتغال
۱- کشاورزی	۳۶۷	۳۶۱۸	۲۲۰۵	۴۹۷۶
۲- عمرانی	۱۳	۵۹۹	۴۸۲	۶۶۵
۳- معدنی	۱۶	۱۴۴	۸۰	۲۷۰
۴- صنعتی	۱۲۷۷	۲۱۹۳۷	۱۹۱۳۶	۲۹۶۴۶
۵- فرش دستیاف	۴۹۷	۷۴۶۳۵	۶۳۸۳۲	۱۰۱۴۴۷
۶- مسکن	۱۲۳	۳۴۰۳۹	۲۲۵۰۰	۲۶۷۴
۷- تأمین نیاز تولیدکنندگان	۱۳۱	۵۸۲۲	۵۶۷۳	۷۹۳۳
۸- تأمین نیاز مصرف‌کنندگان	۱۱۰	۹۷۹۰۵	۵۸۶۱۵	۶۵۰
۹- اعتبار	۴۵	۹۷۵۶	۷۶۳۵	۵۵
۱۰- حمل و نقل	۷۴۷	۲۲	۱۷	۵۵
۱۱- خدماتی	۷۴۷	۱۰۴۴۳	۸۳۷۶	۱۳۸۸۲
۱۲- چندمنظوره	۱۴۶	۴۰۴۸۸	۳۱۰۷۷	۴۹۸۱
۱۳- مصرف آموزشی	۳۸۰۱	۳۴۵۶۵۴	۳۴۵۶۵۴	۱۲۶۹
جمع کل	۷۲۷۷	۶۴۵۰۷۲	۵۶۵۲۸۲	۱۶۸۵۰۳

جدول شماره ۴

مأخذ: دفتر آمار و اطلاعات وزارت تعاون ۱۳۷۸/۱۲/۲۹

۵- خودباوری زنان در جهت پذیرش مسئولیت‌ها

۶- مشارکت زنان در تجمیع سرمایه در قالب تعاونی‌های اعتباری، صندوق حمایت مالی از زنان و بانک تعاون. (در کشور هندوستان ۲۰۰ بانک تعاون وجود دارد که ۷۰ مورد آن مربوط به بانکهای تعاون زنان است.)

۷- آموزش برای تقویت مدیریت و حمایت از تشکلهای زنان

۸- آموزش اعضا، هیأت مدیره، بازرسان و مدیرعامل و توجه جدی زنان به امر تعلیمات و آموزش قبل و حین کار

۹- آموزشهای حرفه‌ای برای زنان و ارتقاء سطح معلومات آنان در سطوح مختلف

۱۰- شرکت دادن زنان دانشگاهی در مواضع تصمیم‌گیری و مشاغل مدیریتی

۱۱- اجرای طرحهای تحقیقاتی در جهت بررسی جامعه‌شناختی اشتغال زنان با حفظ ارزشهای اجتماعی آنان

۱۲- تشویق زنان به مشارکتهای اجتماعی که نتایج آن عبارتند از:

الف - بالا رفتن سطح آگاهی زنان نسبت به جامعه و مسائل آن

ب - رشد و تعالی زنان در خلال کار

ج - بهره بردن از مناسبات و روابط اجتماعی

د - کاهش باروری و جلوگیری از رشد جمعیت

و - صرفه‌جویی در وقت و هزینه خانواده

۱۳- ایجاد اتحادیه‌ها و تشکلهای ویژه زنان جهت ارتباط آنان با سایر زنان و آشنایی به حقوق خود و مبارزه علیه نظام تبعیض

وضعیت زنان در جهان

وجود نابرابریها بخصوص برای زنان در همه جوامع کم و بیش وجود دارد و توجه به این امر در چند سال اخیر از سوی سازمانهای مختلف بیشتر شده است به گونه‌ای که تحقیقات و بررسیهای انجام شده توسط این مؤسسات مبنای بسیاری از

شرح	تعداد باسوادان			میزان باسوادی (درصد)		
	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
کل کشور						
سال ۱۳۳۵	۱۹۱۱	۱۴۵۲	۴۵۷	۱۴/۶	۲۲/۲	۷/۳
سال ۱۳۴۵	۵۵۳۲	۳۹/۶	۱۶۲۶	۲۹/۳	۴۰/۱	۱۷/۹
سال ۱۳۵۵	۱۲۸۷۷	۸۱۹۸	۴۶۷۹	۴۷/۵	۵۸/۹	۳۵/۵
سال ۱۳۶۵	۲۳۸۷۸	۱۴۰۵۲	۹۸۲۶	۶۱/۷	۷۰/۹	۵۲/۰
سال ۱۳۷۵	۴۱۵۸۲	۲۲۴۶۴	۱۹۱۱۷	۷۹	۸۴	۷۴
مناطق شهری						
سال ۱۳۳۵	۱۳۹۶	۹۸۲	۴۱۴	۳۳/۳	۴۵/۲	۲۰/۶
سال ۱۳۴۵	۳۸۳۲	۲۴۴۲	۱۳۹۰	۵۰/۴	۶۱/۴	۳۸/۳
سال ۱۳۵۵	۸۶۲۸	۵۱۴۵	۳۴۸۳	۶۵/۴	۷۴/۴	۵۵/۶
سال ۱۳۶۵	۱۵۵۰۷	۸۷۶۵	۶۷۴۲	۷۳/۱	۸۰/۴	۶۵/۴
سال ۱۳۷۵	۱۵۵۰۷	۱۴۸۶۰	۱۲۹۹۵	۸۵	۸۹	۸۱
مناطق روستایی						
سال ۱۳۳۵	۵۱۴	۴۷۱	۴۳	۶/۰	۱۰/۸	۱/۰
سال ۱۳۴۵	۱۷۰۰	۱۴۶۳	۲۳۷	۱۵/۱	۲۵/۴	۴/۳
سال ۱۳۵۵	۴۲۴۹	۳۰۵۳	۱۱۹۶	۳۰/۵	۴۳/۶	۱۷/۳
سال ۱۳۶۵	۸۳۷۱	۵۲۸۷	۳۰۸۴	۴۸/۴	۶۰/۰	۳۶/۳
سال ۱۳۷۵	۱۳۶۶۰	۷۵۶۴	۶۰۹۶	۶۹	۷۶	۶۲

جدول شماره ۴- تعداد باسوادان و میزان باسوادی در مناطق شهری و روستایی کشور برحسب جنس در سالهای مختلف

منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۶۷ تاریخ انتشار ۱۳۶۸ - مرکز آمار ایران و سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵۷ نتایج تفصیلی کل کشور

دیگر، موقعیت زنان مناسب آنان نمی‌باشد. برخی از جنبه‌های عقب‌ماندگی زنان عبارت است از:

سواد: زنان خیلی کمتر از مردان امکان باسواد شدن را دارند. در جنوب آسیا نرخ سواد زنان حدود ۵۰٪ مردان است و در بسیاری از کشورها وضعیت بدتر از این می‌باشد. در نپال ۲۵٪، در سیرالئون ۲۷٪، سوئدان ۲۷٪ و افغانستان ۲۲٪ زنان نسبت به مردان باسوادند.

بشودرکلی $\frac{۲}{۳}$ بی‌سوادان دنیا را زنان تشکیل می‌دهند.

تحصیلات عالی: زنان در کشورهای در حال توسعه از مردان بسیار عقبتر مانده‌اند. در آفریقا زنان $\frac{۱}{۳}$ مردان از تحصیلات عالی برخوردارند. حتی در کشورهای صنعتی

برنامه‌ریزیهای خرد و کلان کشورها قرار گرفته است.

از چند سال پیش مطالعات و پژوهشهای متعدد از سوی سازمانهای جهانی ILO و UN در تجزیه و تحلیل موقعیت زنان در سطوح منطقه‌ای، ملی، میزان اشتغال آنان، عوامل بازدارنده فعالیت زنان، نگرشها و تمایلات زنان و نقش زنان در توسعه انجام شده است که سعی در آماده‌سازی افکار عمومی مسلتها و سیاستگذاران و برنامه‌ریزان جهت حل مشکلات مربوط به دستیابی زنان به اشتغال بیشتر را داشته داشت.

زنان در زمینه‌های بسیاری از مردان عقبتر مانده‌اند. سواد، تحصیلات مالی، اشتغال، بهداشت و در بسیاری جنبه‌های

متوسط درآمد زنان فقط ۵۱٪ درآمد مردان است در عین حال آنان بطور وسیعی از قدرت تصمیم‌گیری محرومند و تنها ۷٪ مشاغل مدیریتی را دارند و در فعالیتهای سیاسی هم حضورشان کم است. زنان بعد از جنگ جهانی دوم حق انتخاب شدن در پارلمان را کسب نمودند. هنوز ۲٪ اعضای پارلمان را زنان تشکیل می‌دهند. البته هیچ زنی واجد مقام وزارت نیست (در مقایسه با کشورهای صنعتی ۹٪ و در کشورهای آسیایی ۱۲٪ است) با این وجود، یک یا دو زن به مقامهای مهم رسیده‌اند و تعدادی از زنان در میان مؤسسان احزاب اجتماعی هستند.

بطور کلی، جامعه پدرسالاری ژاپن در حال تغییر جهت، به سمت شناسایی حقوق قانونی بیشتر و کسب استقلال برای زنان است. فقط در سال ۱۹۸۰ حقوق زنان ژاپنی از ۱۰۰ داریای شوهرانشان به ۱۰۰ افزایش پیدا کرد (بقیه هم مربوط به فرزندان است) و در جنبه‌های دیگر قانون همچنان مانند گذشته

است. سن قانونی ازدواج برای مردان ۱۸ و برای زنان ۱۶ می‌باشد. (H.D.R. "Women in Japan" p=26)

در کشورهایی با توسعه متوسط و یا در حد پایین‌تر، در خیلی موارد زنان مجبورند کارهایی با دستمزد پایین را بپذیرند. عدم تحرک به منظور یافتن شغل بهتر و دستمزد بیشتر، بر موقعیت زنان تأثیر می‌گذارد به همین جهت به عنوان کارگر مزدبگیر کار می‌کنند و در فعالیتهای کم‌درآمد و بی‌ثبات به کار گمارده می‌شوند، زیرا دست‌اندرکار فعالیتهای تولیدی بودن، به عنوان نقش دوم آنها، بعد از تولیدمثل قرار دارد و به عنوان منبع اولیه درآمد خانوار محسوب نمی‌شوند.

با وجود این مسائل، زنان به خاطر فشارهای شدید فقر و بی‌پولی و به منظور نگهداری خانواده‌هایشان به جستجوی کار می‌پردازند. این کار به ویژه در قسمتهایی از آسیا و آفریقا و خاورمیانه صورت می‌گیرد. (Zubeida, A. 1984, p=86) زنان در آسیا و آفریقا و خاورمیانه، با کار خود



بگیرند، یعنی در واقع فاقد حق مالکیت می‌باشند. (H.D.R.UN, 1963)

بهداشت، زنان بطور متوسط از مردان بیشتر زندگی می‌کنند. اما در بعضی از کشورهای آسیایی و شمال آفریقا این تفاوت به چشم نمی‌خورد و حتی گاهی امید زندگی برای آنان کمتر است. به نظر می‌رسد ۱۰۰ میلیون نفر از زنان آسیایی در حال از بین رفتن هستند. یکی از خطرات برای سلامتی زنان تولد فرزندان است. مرگهای ناشی از زایمان در کشورهای در حال توسعه ۱۵ برابر بیشتر از کشورهای صنعتی است. در ژاپن علی‌رغم اینکه این کشور در میان سایر کشورها در سطوح بالاتری از توسعه اقتصادی قرار دارد، هنوز بین زنان و مردان نابرابریهایی دیده می‌شود. شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۲ ژاپن را در مرتبه نخست قرار می‌دهد. اما در تبعیض جنسی ژاپن به مرتبه هفدهم تنزل می‌یابد. زیرا نسبت سهم زنان در تعلیم و تربیت ۱۰۰ مردان است. همچنین از نظر اشتغال وضع زنان بطور قابل

انان در فعالیتهای علمی و تکنیکی ضعیف هستند. چنانچه نسبت زنان به مردان در زمینه تحصیلات عالی در اسپانیا ۲۸٪ و در کانادا این رقم ۲۹٪ می‌باشد.

اشتغال: در کشورهای در حال توسعه زنان فرصتهای کمی برای اشتغال و کار دارند. نرخ مشارکت آنها بطور متوسط ۵۰٪ مردان است. (در جنوب آسیا ۲۹٪ و در منطقه عربی ۱۶٪) حتی وقتی آنان کار پیدا می‌کنند، دستمزدشان خیلی کمتر است. در جمهوری کره دستمزد زنان فقط ۲۷٪ دستمزد مردان است. تسمایز حقوق و دستمزد. همچنین مشخصه کشورهای صنعتی نیز می‌باشد. در ژاپن زنان ۵۱٪ حقوق مردان را اخذ می‌نمایند. زنان در واقع کارهای بدون مزد نگهداری بچه و کارهای خانگی انجام می‌دهند که درآمد ملی محسوب نمی‌شود.

خوداشتغالی فرصتی است که به طرق مختلف برای زنان محدود می‌شود. در بعضی از کشورها هنوز زنان حق مالکیت دارایی خود را ندارند و آنان حق ندارند وام

سن	مردان	زنان
۲۰-۲۴	۱۹۷۵ ۷۶/۱	۱۹۷۵ ۶۶/۲
۲۵-۳۴	۱۹۷۵ ۹۷/۶	۱۹۷۵ ۴۲/۲
۳۵-۴۴	۱۹۷۵ ۹۷/۸	۱۹۷۵ ۵۶/۹
۴۵-۵۴	۱۹۷۵ ۹۶/۵	۱۹۷۵ ۵۹/۸
+۵۶	۱۹۷۵ ۲۴/۳	۱۹۷۵ ۱۵/۳

جدول شماره ۵- نرخ مشارکت نیروی کار ژاپنی در سال (۱۹۷۵-۱۹۸۵)

برای مردان و زنان

Source: Japan Statistical year book, 1986, p.11.

داده است و در این تحقیق سهم زنان را در بخش صنعتی تولید غذا متذکر گردیده است. همانگونه که می‌دانیم این بخش هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای توسعه نیافته اهمیت بسزایی دارد.

در کارخانه‌های میوه و سبزیجات و ماهی و غذاهای دریایی و بیسکویت، زنان می‌توانند از مهارت‌های پخت و پز حساسگی استفاده کنند. آنها معمولاً یک دوره بسیار کوتاه از آموزش را طی می‌کنند. (ILO, 1984, p.3). اکثریت زنانی که در بخش غیررسمی شهرهای کشورهای در حال توسعه کار می‌کنند تحصیلات رسمی اندکی داشته یا فاقد آن می‌باشند. آنان از دواج کرده و صاحب فرزند هستند. بیشتر کارهای آنان ناپیوسته و در آمارهای رسمی به عنوان فعالیت اقتصادی شناخته نمی‌شود. مشکل است که بتوانیم اندازه و الگوی اشتغال آنان را بشناسیم. البته واضح است که تعداد زیادی از زنان فعالیتهای درآمدزا دارند و کاملاً مشهود است که بیشتر خانواده‌های کم‌درآمد بدون وجود زن به سختی به زندگی خود ادامه می‌دهند و گاه فرزندان هم در تأمین بودجه خانواده کمک می‌نمایند. (Ibid, p.4)

نتیجه‌گیری:

نیروی انسانی یکی از ذخایر مهم و باارزش کشورهای در حال توسعه می‌باشد. چنانچه این کشورها بتوانند نیروی انسانی را در جهت رشد و تعالی و تخصص‌یاری آورند با کشورهای صنعتی رقابت خواهند نمود.

زنان این نیروی عظیم، که انواع مختلف کارها را چه به طور رسمی و چه غیررسمی انجام می‌دهند چنانچه به استعداد بالقوه آنان توجه شود یکی از منابع سرمایه‌گذاری برای کشورهای در حال توسعه خواهند بود. در این کشورها سواد زنان ۵۰٪ مردان بوده و آنان ۱/۳ مردان از تحصیلات عالی برخوردارند و نرخ مشارکتشان به طور متوسط ۵۰٪ مردان می‌باشد این امر نشانگر آن است که در کشورهای در حال توسعه از این منبع عظیم استفاده بهینه صورت نمی‌گیرد.

بدون اینکه کار جدید پیدا کنند، منابع درآمدی سنتی خود را از دست داده‌اند. محصایق این مسئله را می‌توان در کشورهای تازه صنعتی شده مانند برزیل، هند، مکزیک و نیجریه یافت. نتایج مطالعات متعدد حاکی از این است که کار زنان روز به روز بیشتر به کارهای خانگی (مانند صنایع نساجی، دوزندگی و تنباکو) و به کارهای کم‌درآمد در بخشهای غیررسمی شهرها که کار، اتفاقی، غیرمنظم و درآمد بسیار کم است محدود می‌شود و حتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در اکثر موارد در بخش رسمی فقط از زنان مجرد در گروههای سنی ۲۰ تا ۲۵ سال استفاده می‌شود. (دفتر بین‌المللی کار، ۱۹۸۵، ص ۱۵)

زنان با آنکه در بیشتر مناطق در تولید و ذخیره محصولات غذایی نقش عمده‌ای دارند، قربانی تبعیض فاحش در برنامه‌های عمرانی هستند، که اغلب سبب کاهش درآمد برای مقابله با چنین وضعیتی برای تهیه غذا و ذخیره آن باید ابزار بهتری در اختیار زنان قرار گیرد. چنین تکنولوژی باید نسبتاً ارزان بوده و شامل یادگیری مهارتهای پیچیده و جدید نباشد.

یکی از مسائل کارگران زن کار کردن در بخش غیررسمی داخل خانه است که به آنها کارگران خانگی می‌گویند و اطلاعات کمی از آنها در دست است.

یونیدو مطالعاتی در سال ۱۹۷۸ انجام

به درآمد خانواده کمک می‌کنند و این درآمد برای تهیه غذا، لباس و دیگر نیازهای خانوار مصرف می‌گردد. اما این فعالیتهای ایجاد کننده درآمد به زنان این امکان را می‌دهد تا کنترل زیادتری بر درآمد خود داشته باشند و مسقذاری از آن را برای خود نگهدارند. (Uma.lele, 1986)

شواهد نشان می‌دهد که سیاستهای توسعه که توسط بسیاری از کشورهای جهان سوم دنبال می‌شود، به بدتر شدن شرایط زندگی افراد فقیر روستایی منتهی می‌گردد. مطالعات نشان می‌دهد که صدها میلیون نفر از مردم بی‌نهایت فقیر در سراسر دنیا، توسعه اقتصادی صدمه دیده‌اند اگرچه زنان و مردان قربانیان توسعه می‌باشند، اما برای زنان مطابق با موقعیت جدید مشکلتر است. زیرا از یک طرف، تعهدات و مسئولیتهای خانوادگی آنها را کم‌تر از مردان می‌سازد و از طرف دیگر رسوم و سنن، فرصتهای شغلی آنها را محدود می‌سازد. آنان معمولاً از آموزش و مهارت کمتری برخوردارند و این امر محدودیتهای زیادتری برایشان به وجود می‌آورد. همچنین اکثر زنان کشورهای جهان سوم که در مشاغل سنتی به کار مشغول می‌باشند، با ورود تکنولوژیهای جدید کار را به مردان واگذار می‌کنند. (Boserup, 1971, p.70)

صنعتی شدن سریع، با وجود فرصتهای اشتغال زیادی که به همراه دارد، برای زنان چندان مفید نبوده است، زیرا آنان غالباً

میزان دستمزد پایین زنان به مردان و مشکلات و موانعی که برای آنان در آموزش و اشتغال وجود دارد، وضع را همچنان به ضرر و زیان ثبات می‌بخشد.

به طور نظری اگر کنش افراد را به صورت یک نظام در نظر بگیریم، رویکرد زنان به اشتغال خارج از خانه تحت تأثیر نظامهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظام شخصیتی آنان است زیرا زنان به واسطه نقشهای محول، خود، انتظاراتی را باید پاسخگو باشند که از طریق جامعه‌پذیری در خانواده و مدرسه فرا گرفته‌اند و اگر اهداف یک جامعه متعالی بوده و رشد و توسعه افراد خود را در همه زمینه‌ها در نظر داشته باشند، باید وسایل و ابزار دستیابی به آن اهداف را نیز فراهم کند، در غیر این صورت افراد برای انطباق و سازگاری راههایی را در پیش خواهند گرفت که در پایان رفتار بهنجار نبوده و برای ثبات جامعه مشکل به وجود خواهد آورد.

زنان، با اهداف جامعه مبتنی بر نیاز به کار و فعالیت تولیدی در کارخانه‌ها و کارگاهها و مؤسسه‌ها آشنا شده و با انگیزه‌های مختلف وارد کار می‌شوند. اتخاذ روشهای انطباق با شرایط جدید بر حسب ارزشهای درونی شده که از خانواده و محیط اجتماعی گرفته‌اند، متفاوت می‌باشد. الگوی رفتاری زنان برای همه جوامع یکسان نیست، هرچند که شرایط جسمی و فیزیولوژی آنان در همه جا مشابهت‌های رفتاری زنان را توجیه می‌نماید یکی از هنجارهای جوامع برای زنان تشکیل خانواده و ایفای نقش مادری و همسراری است هرچه یک جامعه سنتی‌تر باشد به این نقشهای محول، اهمیت بیشتر داده و آزادی عمل برای یافتن موقعیت بهتر در نقشهای اکتسابی را از افراد سلب می‌کند.

ساختار کشورهای در حال رشد طوری است که تغییر در نظامهای ارزشی آنها بسیار کند صورت می‌گیرد، حتی اگر تغییر در ساختار سیاسی و اقتصادی هم داشته باشند و در این زمینه‌ها رشد و توسعه را در پیش گیرند در این کشورها در نظام



فرهنگی، به واسطه ماهیت پیچیده‌تر آن به طور کلی و هم بافت سنتی‌تر آن تغییر در ارزشها و هنجارها بسیار دیرتر عملی می‌شود. شرایط جدید در نظام جهانی طوری است که انگیزه پیشرفت و توسعه اقتصادی نمی‌تواند جزو اهداف کشورهای در حال رشد در نظر گرفته شود. به هر حال حتی اگر برای رشد و توسعه خاص اجتماعی و فرهنگی اینگونه جوامع هم مدنظر باشد، باز هم تغییر ساختاری در بسیاری از جنبه‌های کث وره‌ای در حال رشد باید صورت پذیرد یکی از هنجارهای موجود در این گونه کشورها این است که از زنان انتظار انجام نقشهای محول را دارند و وقتی در شرایط جدید از نظر اقتصادی وجود زنان در فعالیتهای خارج از خانه یک نیاز، چه در سطح خرد که توجه به یک خانواده است و چه در سطح کلان یعنی نیاز به استفاده از نیروی عظیم در سطح کشور می‌باشد، به نظر می‌رسد هم‌نوایی ارزشها و هنجارها با تغییرات موجود مدتی به طول خواهد انجامید و هم اینکه در یک دوره بحران گذر از مرحله سنتی به مرحله جدید تعارضهایی به وجود خواهد آمد.

مطالعات و بررسیهایی که صورت گرفته نشان می‌دهد هنوز افراد چه مرد و چه زن در پذیرش نقشهای جدید زنان تردید دارند، بسیاری از زنان اظهار می‌دارند که در ترکیب نقشهای خود در خانه و اشتغال بیرون از خانه دچار تضاد می‌شوند و چنانچه حمایت کافی از آنان نشود، ناچار کار بیرون از خانه را رها می‌کنند.

غیر از مسائل درون خانواده مشکلات دیگری هم در زمینه شغل برای زنان وجود دارد، تبعیض شغلی که در همه کشورها کم و زیاد وجود دارد، عرصه کار و فعالیت را در عمل برای زنان محدود می‌کند.

در پیشداوریهای نسبت به کار زنان که باز هم از نظام ارزشی یک جامعه تأثیر می‌پذیرند چنین آمده است که چون زنان از نظر جسمی ضعیف‌ترند و مسئولیتهای مربوط به خانه و بچه‌ها را دارند کارهای مهم و حساس و مشاغل مدیریتی را نمی‌توانند انجام دهند و چون ثبات شغلی ندارند، بنابراین در شرایط مساوی زن و مرد، برای استخدام مردان برتری دارند.

در بررسی که بر روی ۵۰ سازمان انجام گرفته است، طبق نظرخواهی از ۵۰ مدیر

سطح بالای سازمانها، اکثریت بر انضباط کساری بیشتر زنان نسبت به مردان و وظیفه‌شناسی و تعهد آنان اذعان داشتند و نیمی از آنان از پرسنل زن راضیتر از پرسنل مرد بودند. با این حال در انتخاب افراد در رده‌های شغلی بالاتر در میان زنان و مردان با تحصیلات و تجربه مساوی مردان را ترجیح می‌دادند.

این امر بقایای پیشداوریهای غلطی است که فرد علی‌رغم آگاهی و شناخت و بالا بودن سطح تحصیلاتش، هنوز به آنها عمل می‌کند و وقتی فرزندان در یک خانه سلطه پدر را به وضوح مشاهده می‌کنند، از طریق وسایل ارتباط جمعی در نمایشها و فیلمها و همچنین در کتب درسی، از آموزش مستقیم و غیرمستقیم مردان را در کارهای بالاتر می‌بینند و زنان را در کارهای پستتر. این تصویر ایجاد می‌شود که مشاغل سطح بالا و مدیریتی خاص مردان است و زنان نمی‌توانند در آنها به خوبی انجام وظیفه کنند.

در بعضی از دیدگاه‌هایی که تبعیض شغلی میان زن و مرد را مطرح می‌نمایند، به نظر می‌رسد نوعی تأیید و توجیه وضع موجود ایجاد شده باشد (دیدگاه‌های نئوکلاسیکها و جداسازی بازار کار)

در حالیکه همانگونه که بررسی شد اشتغال زنان از ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی جامعه و نظام شخصیتی خود زنان تأثیر می‌پذیرد. چنانچه کشوری بخواهد مسیر رشد و توسعه را در پیش گرفته و مشکلات را در این راه از پیش پا بردارد، باید به موانع اشتغال زنان توجه نماید این موانع که طیف وسیعی از موانع فیزیولوژیکی، شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در برمی‌گیرد شرایط خاصی را در اشتغال زنان بخصوص در کشورهای جهان سوم ایجاد نموده است. در این کشورها که اقتصادشان مبتنی بر کشاورزی بود مدت زیادی نیست که صنایع جدید در شهرهای آنها رشد نموده است با این وجود زنان از دیرباز در فعالیت کشاورزی در کنار سایر فعالیت‌های خانه به دمداری کشت دانه،

شرح	کل کشور (۱)			نقاط شهری		نقاط روستایی	
	مرد و زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
بخش خصوصی	۹۷۹۴	۸۸۱۴	۹۸۰	۴۸۰۲	۳۰۹	۳۹۶۱	۶۶۲
کارفرمایان	۵۲۸	۵۱۱	۱۶	۳۷۶	۶	۱۳۵	۷
کارکنان مستقل	۵۱۹۹	۴۸۵۲	۳۴۷	۲۲۰۹	۱۲۶	۲۴۰۸	۲۱۹
مزد و حقوق بگیران	۳۲۷۰	۳۰۲۱	۲۵۰	۱۹۴۹	۱۳۰	۰۶۸	۱۱۹
کارکنان نامبلی بدون فرد	۷۹۷	۴۳۱	۳۶۷	۶۹	۴۴	۳۵۰	۳۱۷
مزد و حقوق بگیران	۴۲۵۸	۳۵۶۰	۶۹۸	۲۷۲۵	۶۲۷	۸۳۴	۷۱
بخش عمومی	۵۷	۲۸	۹	۳۳	۴	۱۵	۵
مزد و حقوق بگیران	۴۶۳	۳۸۱	۷۹	۲۴۸	۵۲	۱۳۵	۲۷
بخش تعاونی	۱۴۵۷۲	۱۲۸۰۶	۱۷۶۵	۷۸۰۵	۹۹۱	۴۹۴۵	۷۶۶
اظهار نشده							
جمع							

رقم مربوط به جمعیت غیر ساکن فقط در ستون مربوط به کل کشور منظور شده است
 مأخذ: مرکز آمار ایران: سرشماری سال ۱۳۷۵

پرورش حیوانات و طیور، درختکاری، تهیه میوه و سبزیجات و سایر مایحتاج خانواده مشغول بودند. ولی با این همه فعالیت چون مزد دریافت نمی‌کردند تولید آنها درآمد ملی محاسبه نمی‌گردد.

با رشد صنایع در شهرها شرایط جدید اشتغال مزدبگیری به وجود آمد. این شرایط گاهی متناسب با وضعیت فیزیولوژی زنان نبود. قوانین و مقرراتی برای کارگران زن وضع شد ولی این تنها راه حل نبود. برای رشد آنان در جهت کسب درجات عالیتر موانع اجتماعی وجود دارد. آموزش که از مسایل مهم رشد و توسعه است، به واسطه بعضی موانع فرهنگی، برای زنان اهمیت داده نمی‌شود مانند بزرگ نمودن تفاوت‌های جسمی که این امر منشأ تفاوت‌های روانی و شخصیتی گشته و از طریق جامعه‌پذیری در الگوهای رفتاری مؤثر واقع می‌شود و خانواده را به سوی عدم سرمایه‌گذاری آموزشی برای دختران سوق می‌دهد. دختران از ابتدا با این تبعیضها میان خود و برادرانشان روبه‌رو شده و کم‌کم خود نیز این باور را تثبیت می‌نمایند که تفاوت‌های اساسی با پسران دارند. لذا از امکانات کمتری باید بهره ببرند.

بنابراین انگیزه دستیابی به سطوح بالاتر آموزش را از دست می‌دهند و با توجه به اینکه وظیفه اصلی آنها مادری - همسری تلقی می‌شود. با مشکلات ترکیب نقشها در

داخل و خارج از خانه روبرو می‌گردند. از سوی دیگر وجود تبعیضها در سازمانها و مؤسسه‌ها و دستمزد پایین زنان آنان را از تشویق نسبت به ادامه کار و توسعه آن باز می‌دارد.

تقسیم کار لازمه یک جامعه رشد یافته است که براساس استعداد و توانمندیهای افراد به وجود آمده است و ممکن است برحسب شرایط فیزیولوژیکی و سنی افراد فرق کند، ولی نباید بر مبنای تفاوت‌های جنسی قرار داده شود. در ابتدا این باور باید در اذهان مرد و زن جنان گیرد که زنان می‌توانند در عرصه‌های اجتماعی بیشتر از گذشته توانمندیهای خود را به منصفه ظهور بگذارند.

جایگزینی این باور در اذهان توسط پرورش کودک در خانواده و سپس مدرسه و محیط اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی باید انجام گیرد. تمهیدات دولت جهت زنان شاغل و سهل نمودن شرایط کاری و اشتغال آنان به کارهای تخصصی یا دستمزد بالاتر و امکانات رفاهی بیشتر. مشوق آنان به کار خواهد بود. آشنا ساختن خانواده به تقسیم کار در داخل خانواده و مسئولیت‌پذیری اعضاء و از سویی تشکیل مؤسسات و سازمانهایی که خدمات خانگی را ارائه دهند، باعث می‌گردد زنان مشغله کمتری داشته باشند و به کارهای اساسی‌تر بپردازند بدین طریق از این نیروی عظیم در

جهت رشد و توسعه کشور بهره بیشتری عاید می‌گردد.

* مدیرکل دفتر ترویج و مشارکتهای مردمی وزارت تعاون

■ منابع و مأخذ:

- ۱- جامعه‌شناسی، اشغال زنان - دکتر خدیجه سعیری
- ۲- مشارکت زنان در تعاونیهای روستایی - چپی، وان، لیسنگ - ترجمه: دکتر پرویز معرومی
- ۳- سالنامه آماری کشور ۱۳۷۷
- ۴- مطالعات و بررسیهای *IL.O* و *UN* در مورد اشغال زنان
- ۵- آمار و گزارشات وزارت تعاون تا پایان سال ۱۳۷۸

شبه از صفحه ۲۱

شود. البته اگر مشکلی در رابطه با فوت عضو پیش بیاید، این مدت می‌تواند طولانی‌تر شود.

۱۰- در صورت تصویب عضویت فرد در پروژه رفاهی توسط هیأت مدیره، این هزینه فقط یک بار در سال قابل دریافت است.

۱۱- اگر یکی از بستگان و افراد تحت تکفل عضو خودکشی کند، هیچ مبلغی به وی پرداخت نخواهد شد.

برای دریافت کمک هزینه فوت، همسر، پدر و مادر همسر، فرزندان و برادران و خواهران مجرد باید در یک خانه و تحت سرپرستی رئیس خانوار باشند، اگر ثابت شد که وابستگان تحت تکفل دائم عضو هستند، لازم به احراز شرایط فوق نیست، البته پدران و مادران شخصیت‌های مذهبی از شروط مزبور معاف هستند.

وام ضروری

۱- هر عضو تعاونی که عضو طرح رفاه اعضا باشد، مجاز به استفاده از وام ضروری است.

۲- وام ضروری را فقط در صورت بروز بیماری یا حادثه برای عضو یا همسر وی می‌توان گرفت.

۳- اگر عضو یا همسر او توانایی امرار

معاش یا نگهداری از خانواده را نداشته باشد، باید گواهی پزشکی از یک مرکز معتبر پزشکی به هیأت مدیره ارائه نماید و در صورت تأیید، وام به آنها تعلق خواهد گرفت.

۴- در صورت تأیید هیأت مدیره، وام ضروری برای هر عضو ۷۵۰۰۰ روپیه و برای همسر عضو ۵۰۰۰۰ روپیه خواهد بود. این وام فقط یک بار قابل دریافت است.

بورس تحصیلی برای تحمیلات تکمیلی

۱- بورس طرح تحصیلی برای فرزندان اعضاء طرح رفاه شرکت، تنظیم و ارائه شده است.

۲- این طرح شامل دو بورس تحصیلی، هر کدام به ارزش ۵۰۰ روپیه می‌باشد که سالانه اعطاء می‌گردد.

۳- استفاده کنندگان از بورس، توسط کمیته ویژه و طبق شرایط زیر انتخاب می‌شوند:

۱-۲- متقاضی بورس تحصیلی باید متعلق به خانواده کم درآمد باشد.

۲-۲- متقاضی باید واجد شرایط برای ادامه تحصیل در دانشگاه باشد.

۳-۲- اگر متقاضیان بیش از دو نفر باشند، انتخاب بر پایه بیشترین نمره کسب شده در امتحان ورودی دانشگاه خواهد بود.

۴-۲- وجوه بورس تحصیلی در حساب پس انداز شرکت در بانک روستایی (*Rural Bank*) نگهداری می‌شود و فرد بورسیه مجاز است در هر ماه حداکثر ۲۰ روپیه از آن برداشت کند و در پایان سال ترانزنامه حساب تنظیم می‌گردد.

کمک هزینه جشن

۱- اعضای طرح رفاه می‌توانند از کمک هزینه جشن استفاده کنند.

۲- در صورت برپایی جشن عروسی یا مراسم سن تکلیف (بلوغ) یکی از اعضای خانواده عضو، این وام کمکی قابل پرداخت است.

۳- حداکثر ۵۰۰۰ روپیه از محل طرح کمک هزینه، قابل دریافت است.

۴- وامها با ضمانت دو معرف که عضو طرح رفاهی هستند، پرداخت می‌شود. معرفیها باید افرادی باشند که پیوسته در هر ماه

معادل ۵۰۰ روپیه کالاهای مصرفی خریداری کرده باشند.

۵- این وام بدون بهره است و می‌تواند در یک نوبت یا به طور منظم در سه ماه پرداخت گردد. اگر وام در شش ماه به طور کامل پرداخت شود، فقط هزینه‌های خدمات، معادل ۵۰ روپیه محاسبه خواهد شد. اگر فردی قبلاً وام جشن دریافت داشته باشد و واجد شرایط مزایای دیگری می‌باشد، مبلغ بدهی وی از میزان وام پرداختی کسر و مابقی به وی پرداخت می‌گردد. در صورت ناتوانی در پرداخت وام، بدهکار و معرفیهای او از طرح رفاه محروم خواهند شد.

۶- کمک هزینه جشن هنگامی اعطاء می‌شود که هیأت مدیره تقاضانامه را بررسی و از ضرورت آن مطمئن شود.

سرمایه گذاری و جوه طرح رفاه

تمام وجوهی که از بابت طرح رفاه اعضاء دریافت می‌شود را می‌توان طبق تشخیص هیأت مدیره در امور سودآور سرمایه گذاری نمود.

بیشرف طرح رفاه اعضاء

گزارش پیشرفت پنج ساله طرح رفاهی که زیر نظر شرکت تعاونی چند منظوره پوجاپیتیا اجرا می‌شود، در جدول شماره یک آمده است. اطلاعات این جدول، واقعیت‌های ذیل را نشان می‌دهد:

۱- این طرح در میان اعضاء از محبوبیت زیادی برخوردار شده و به صورت افزایش سالانه عضویت، خود را نشان می‌دهد. این افزایش حدود ۵۰۰ نفر در سال برآورده می‌گردد.

۲- درآمد سالانه حاصل از فروش محصولات به مصرف کنندگان، ثابت است.

۳- سهم طرح رفاه اعضاء از درآمد بخش مصرفی، حدود ۷۵٪ است.

۴- مشارکت اعضاء در تأمین سرمایه در گردش شرکت، افزایش یافته است.

۵- سود سالانه شرکت افزایش یافته است.

۶- مزایای طرح رفاه اعضاء افزایش یافته است.

مبلغ کل کمک هزینه پرداختی بابت فوت ۱۲۷۶۲۰۰ روپیه است.